



ارزیابی آسیب‌شناسانه عملکرد پلیس در امنیت عمومی از منظر شاخص‌های حکمرانی خوب

خلیل‌اله سردارنیا^۱، رامین روزبهی^۲

چکیده:

در جهان امروز، با پیچیده‌تر شدن و تهدیدهای امنیتی، نوع حکمرانی کلاسیک امنیتی، دیگر کارآمد نیست، بنابراین رویکردهای امنیتی در قالب حکمرانی خوب امنیتی و دوسویه با جامعه شهروندان، گروه‌ها، اندیشمندان و غیره بسیار ضرورت یافته‌اند. در این پژوهش مهمترین پرسش‌ها عبارتند از: عملکرد پلیس در برقراری امنیت عمومی در ایران از دهه ۱۳۸۰ به این سو چگونه ارزیابی می‌شود؟ مهمترین چالش‌های فراروی پلیس در برقراری امنیت عمومی فراگیر چه بوده‌اند؟ مهمترین پیشنهادات برای ارتقای امنیت عمومی در چارچوب مدل حکمرانی خوب چیستند؟ در این پژوهش از روش کیفی میدانی با تکنیک پرسشنامه باز ساختار یافته در سطح ملی با جامعه آماری متشکل از صاحب‌نظران و پژوهشگران دانشگاهی و مدیران و پرسنل ارشد پلیس با حجم نمونه ۴۰ نفر هستند که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند. داده‌های گردآوری‌شده پس از کدگذاری، با بهره‌گیری از تحلیل مضمون و با استفاده از نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند. مهمترین یافته‌های پژوهش در حوزه عملکردی پلیس در امنیت عمومی عبارتند از: قدرتمندترین بخش عملکرد پلیس در حوزه‌های عملیاتی و انتظامی مانند کنترل جرایم خشن، مدیریت درگیری‌های قومی محلی با استفاده از ظرفیت‌ها و بزرگان محلی، امنیت انتخابات و بوده است؛ در مقابل، ضعیف‌ترین حوزه، عملکرد نرم‌افزاری و اجتماعی پلیس در مدیریت اعتراضات صنفی، اجتماعی و سیاسی، پیشگیری اجتماعی، ارتباطات عمومی و دانش‌بنیان کردن امنیت است. مهمترین پیشنهادات برای ارتقای امنیت عمومی در چارچوب مدل حکمرانی خوب از دید صاحب‌نظران دانشگاهی و پژوهشگران و خود مجموعه پلیس عبارتند از: گذار از رویکردهای امنیتی سخت‌افزارانه به مشارکتی و پیشگیرانه، تقویت سازوکارهای تخصصی میانجی‌گرانه و گفتگویی با معترضین، تقویت سازوکارهای دانش‌بنیان و نظارتی برای ارتقای امنیت دانش‌بنیان و پاسخگویی، ارتقای سطح دانش تخصصی پلیس، تقویت اخلاق حرفه‌ای در پلیس و جلوگیری از مداخلات سیاسی نهادهای امنیتی موازی.

واژگان اصلی: حکمرانی خوب، امنیت عمومی، پلیس (نیروی انتظامی) ایران، دستاوردها، چالش‌ها.

مقدمه

امروزه برقراری امنیت با رویکرد های کلاسیک نظامی و حکمرانی کلاسیک دولت محور دیگر پاسخگوی چالش های امنیتی همه جانبه امروز جوامع از جمله ایران نیست. امنیت و تهدیدهای امنیتی، مفهومی چند بعدی و دارای زوایای مختلفی نرم، نیمه سخت اقتصادی در کنار بعد سخت نظامی شده است. در همین راستا مفهوم «حکمرانی خوب»^۱ در دو بعد جوهری- اصولی و اجرایی «به مثابه مشی حکومتی» جایگزین حکمرانی کلاسیک با رویکرد تعاملی بین حکومت و جامعه و کنشگران مدنی و اجتماعی شده است. از همین منظر، «حکمرانی امنیتی»^۲ در ذیل حکمرانی خوب با رویکرد تعاملی و همکاری جوانانه بین حکومت و پلیس یا دستگاه های امنیتی با جامعه و دانشگاهیان طرح شده و در تعدادی از کشورها اجرا شده است.

در همین راستا می توان به خدشه دار شدن امنیت عمومی در پی اعتراضات سیاسی، مدنی و صنفی در ایران در چند سال اخیر به ویژه اعتراضات سیاسی و صنفی از سال ۱۳۹۶ به این سو اشاره کرد. از نیمه دوم دهه ۱۳۹۰ شمسی به این سو، پس از وقوع اعتراضات خیابانی زنجیروار و نسبتاً مستمر، امنیت عمومی به خاطر ماهیت و ویژگی جدید و پیچیده این اعتراضات، با چالش های جدی مواجه شده است که مهمترین آن عبارتند از: فراگیری نسبی، بی سر و خیابانی بودن اعتراضات، فراتر رفتن از نهادهای مدنی و صنفی، ارتباط بدنه اجتماعی (توده ناراضی) با بدنه روشنفکری و دانشجویی، دخالت شبکه اجتماعی اینترنتی و سایبری در اعتراضات، تاکتیک های جدید به کار رفته توسط سران این حرکت ها (مانند کشاندن اعتراضات به شب و استفاده ابزاری و حساب شده و هدایت شده از زنان) استفاده گسترده از شبکه های اجتماعی و گسترش دادن عامدانه جغرافیای اعتراضات و تشدید جرایم نوین و عوامل تنش زا برای تحلیل و کاهش توان تدافعی و بازدارندگی پلیس و نیروهای امنیتی و درگیر نمودن پلیس با مردم با هدف نا امن سازی روانی و احساس امنیت در جامعه. در چنین سپهر و بستر با حساسیت های بالای امنیتی، عدم کفایت توان دستگاه های امنیتی و انتظامی برای برقراری امنیت عمومی و جامعه بنیاد شدن مسئله امنیت و تهدیدهای امنیتی، باید گفت که برقراری امنیت عمومی صرفاً با روش های کلاسیک دولت محور و به صرف دستگاه های انتظامی و امنیتی دولتی و حاکمیتی میسر نمی شود، لذا نیازمند استفاده از ظرفیت ها و بسیج منابع و همکاری

¹ Good Governance

² Society Based Governance

کشگران سیاسی، مدنی، اجتماعی و شهروندان جامعه برای شناسایی چالش های امنیتی است. در چارچوب نظریه حکمرانی خوب، پیچیده شدن معمای امنیت به حکمرانی، دیگر به جنبه یک سویه نمی تواند محدود بماند لذا نیازمند رویکردهای دو سویه یا جلب همکاری جامعه، مردم و نهادهای مدنی، صنفی و رهبران فکری و علما برای برقراری امنیت و مدیریت و رفع بحران جامعه است. حکمرانی خوب از دو منظر مورد توجه است، یکی تلقی از آن به مثابه « جوهری» که همان اصول دموکراتیک همچون قانونمندی، شفافیت، فساد ناپذیری، مسئولیت پذیری و اعتماد است. اما وجه و تلقی دیگر از حکمرانی خوب، «جنبه رویه‌ای» است، منظور از آن روش حکمرانی است که ناظر به اعمال حاکمیت برای امنیت عمومی با جلب همکاری سرمایه های اجتماعی، جامعه، شهروندان، عقلاء فکری و غیره است. مطالعات نشان می دهد که پلیس جمهوری اسلامی در بحث امنیت عمومی در زمینه هایی مانند واکنش سریع به جرائم خشن، آموزش عمومی و پیشگیری از کلاهبرداری خصوصا در فضای مجازی، توفیقات خوبی داشته است اما علی رغم این دستاوردها، چالش های جدی همچنان باقی مانده اند که نمونه آن، مشکل جدی پلیس در برقراری نظم و انضباط در اعتراضاتی است که نه به دلایل ساختارشکنانه و بلکه به دلیل خواسته های موجه مانند دستمزد و گرانی و فقر صورت می پذیرد. در این پژوهش مهمترین پرسش ها عبارتند از: عملکرد پلیس در برقراری امنیت عمومی در ایران از دهه ۱۳۸۰ تاکنون چگونه ارزیابی می شود؟ مهمترین چالش های فراروی پلیس در برقراری امنیت عمومی فراگیر چه بوده اند؟ مهمترین پیشنهادات ارتقای امنیت عمومی در چارچوب مدل یاد شده چیست؟

پیشینه و ضرورت پژوهش

آقایی و همکاران در سال (۱۴۰۱) پژوهشی تحت عنوان « جایگاه پلیس در ارتقاء امنیت عمومی با تاکید بر امنیت اجتماعی و حقوق شهروندی» نگاشته اند. آنان در این پژوهش به دنبال پاسخ به آن بوده است که نقش پلیس به عنوان متولی ارتقاء امنیت عمومی به چه مولفه هایی بستگی دارد. یافته پژوهش آنان نشان می دهد که حفظ قانون و حقوق شهروندی باعث ارتقاء امنیت عمومی می شود. یافته های مطالعه رحمتی فر در سال (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «امکان سنجی حکمرانی خوب به عنوان راهبرد پلیس» نشان می دهد که اصول حکمرانی خوب با رویکردهای جدید پلیس مانند پلیس اجتماع محور، پلیس پیش گیرنده و پلیس مسئله محور هماهنگ بوده است. هاشمی

(۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «تبیین نقش و جایگاه نیروی انتظامی در اعمال حاکمیت برای تامین نیاز عمومی به امنیت از منظر فرماندهی کل قوا»، نقش و جایگاه نیروی پلیس را در اعمال حاکمیت برای تامین نیاز عمومی جامعه با الزام به ایفا سه نقش دیگر آن در برابر مردم، حاکمیت و دین بررسی کرده است. مطالعه فرج پور و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی عملکرد پلیس بر احساس امنیت عمومی از دیدگاه شهروندان» نشان می‌دهد که نقش نظارتی پلیس در کنترل و مهار جرائم غیر قابل انکار است و آنها باید نسبت به گزارش‌ها و نگرانی‌های مردم برای بستن مکان‌های مشکوک، فروش و توزیع مواد مخدر و یا جمع کردن افراد معتاد در زمان مناسب اقدام کنند. اقدام و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی اعتماد شهروندان به پلیس با تاکید بر دیدگاه عدالت رویه‌ای و عملکرد پلیس» به مقایسه اهمیت مدل فرایند محور (عدالت رویه‌ای) و مدل ابزاری (عملکرد پلیس) در تبیین اعتماد شهروندان به پلیس پرداخته‌اند. موحدی و همکاران در سال (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای با عنوان «تاثیر امنیت اجتماعی در افزایش و کاهش عملکرد سرمایه اجتماعی، مشارکت و امنیت پایدار پلیس» با رویکردی مدیریتی، به این یافته کلی رسیده‌اند که افزایش نظم در جامعه نیازمند بهسازی سیستم پاسخگویی سازمان پلیس با راهکارهایی همچون افزایش ارتباط پلیس با بخش‌های خصوصی، آموزش‌های پلیس با استفاده از تکنولوژی، افزایش خدمات همه‌جانبه پلیس به مردم و افزایش مشارکت مردمی در راستای استانداردهای جهانی و سازمانی است. در اهمیت این پژوهش باید گفت که پیچیده شدن تهدیدهای امنیتی در اشکال گوناگون جامعه بنیاد در جوامع با تحولات شتابان و متداخل با تهدیدهای امنیتی جوامع دیگر، انجام این پژوهش را با اهمیت می‌سازد. علاوه بر این، نبود مطالعه میدانی با این عنواتن در سطح ملی و استانی، انجام این پژوهش را ضروری ساخت.

چارچوب مفهومی و نظری

«امنیت» اساسی‌ترین نیازهای بشری است به طوری که در اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی، اندیشمندان و فلاسفه پیشگام از ایجاد و گسترش امنیت به عنوان اصلی‌ترین کارویژه یا وظیفه دولتی یاد کرده‌اند. (زرقانی، ۱۳۹۵: ۱۲۹) امنیت به معنای نبود تهدیدهای اساسی و حیاتی بی‌ثبات کننده برای جامعه است. «امنیت اجتماعی»^۱ به معنی حفظ و دفاع از ارزش‌ها و هویت هاست.

¹ Security

² Social Security

منابع اصلی برای تامین امنیت اجتماعی عبارتند از: هنجارهای اجتماعی یا ابزار کنترل درونی و یا ابزار کنترل بیرونی و گروه های هویتی است. از نظر باری بوزان امنیت اجتماعی را می توان قابلیت حفظ الگوهای سستی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی با شرایط قابل قبولی از تحول دانست. (Buzan,2000:34) «امنیت عمومی» برخی امنیت عمومی را معادل امنیت اجتماعی می دانند. از نظر بری بوزان، برخلاف امنیت اجتماعی که پلیس و دولت متولی اصلی امنیت هستند (دولت محور)، امنیت عمومی امنیتی مدرن و نرم است که غالباً تعاملی و فراگیر بوده و در مبادلات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی با همگرایی بین اعضای جامعه رقم خورده و همواره روح همراهی و همت متقابل بین مردم به چشم می خورد. در این فضا ارکان مختلف جامعه با احساس مسئولیت به نقش های مختص به خود عمل کرده و از فراقکنی و متهم کردن یکدیگر می پرهیزند. در این نوع از امنیت، سازمان ها و نهادهای امنیتی و انتظامی در پیشانی کار قرار ندارند؛ بلکه در آخر این چرخه قرار گرفته و چنانچه پیشگیری های فرهنگی و اجتماعی به نتیجه نرسد، وارد کار شده و با عملیات سخت افزاری خود به مواجهه با ناهنجاری هایی که توسط لایه های ناهمگون جامعه ایجاد می شود، خواهند پرداخت. «حکمرانی خوب» فرایندی تعاملی و همکاری جویانه بین حکومت و جامعه و شهروندان به صورت شبکه ای برای مدیریت جامعه است. (Clark,2005: 642)

طرح نظری اجمالی پیرامون حکمرانی خوب، مکتب جامعه بنیاد امنیتی کپنهاگ و حکمرانی امنیتی

از دهه ۱۹۹۰ «حکمرانی خوب از طرف بانک جهانی به اصطلاح روز تبدیل شد. در ابتدا بانک جهانی اعطای کمک های مالی به کشورهای جهان سوم و در حال توسعه را مشروط به حکمرانی خوب با مولفه هایی همچون شفافیت، حکومت قانون، پاسخگویی، بهبود استانداردهای حکمرانی در مسائل اقتصادی و مالی و ایجاد بخش خصوصی پویا و مولد کرد. چالش های سیاسی و منافع مالی باعث شد که توسعه ایجاد نشود به همین خاطر از سال ۱۹۸۸ به این طرف بانک جهانی و صندوق بین المللی پول مجبور شد در کنار مولفه های اقتصادی بر مولفه های سیاسی همچون کنترل فساد و آزادی های قانونمند نیز تمرکز کند.

مهمترین مولفه های جوهری حکمرانی خوب از دید بانک جهانی عبارتند از: پاسخگویی و حق

¹ Public Security

² Good Governance

اظهار نظر، ثبات سیاسی و نبود خشونت، اثر بخشی دولت، کیفیت قوانین، حاکمیت قانون و کنترل فساد. (Kraay&Kaufmann,2009:17) حکمرانی خوب شامل مولفه‌هایی مانند: مشارکت پذیری، وفاق گرایی، مبارزه با فساد، شفافیت، حاکمیت قانون، انصاف، پاسخگویی، کارآمدی و اثر بخشی است. (رحمتی فر، ۱۴۰۱: ۷۳۳) از مجموع تعریف‌هایی که در مورد حکمرانی خوب ارائه شده است شاخص‌های ذیل را می‌توان استخراج کرد: ۱. مشروعیت حکومت به معنای پذیرش عمومی حکومت و حاکمان از طرف شهروندان و کار آمد بودن حکومت، ۲. پاسخگو بودن حکومت به شهروندان و جامعه مدنی در برابر تصمیم‌ها و رفتارهای خود، ۳. مدیریت کارآمد جامعه در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، ۴. گردش آزادی اطلاعات، ۵. مشارکت آزاد و مساوی همه گروه‌ها، ۶. حاکمیت قانون و برابر بودن همه افراد در برابر آن، ۷. نظارت منطقی جامعه و دولت بر یکدیگر، ۸. کم کردن نابرابری‌ها و فساد، ۹. بی طرف بودن حکومت. (سردارنیا، ۱۳۸۸: ۳۶)

از دهه ۲۰۰۰ به این سو، برای حل چالش‌های مدیریتی و امنیتی فزاینده جوامع در عصر جهانی شدن و تحولات شتابان و اثرات سرایتی تهدیدهای امنیتی از جامعه‌ای به جامعه دیگر و از قشری به قشر دیگر، تحولات و بسط نظری جدید در حوزه حکمرانی خوب با عناوینی همچون «فراحکمرانی» و «حکمرانی شبکه‌ای» طرح شده‌اند. با شکل‌گیری و گسترش چالش‌های جدی فراروی حکمرانی‌های قدیمی سلسله‌مراتبی، حرکت به سمت حکمرانی شبکه‌ای و فراحکومتی، بیش‌تر ضرورت یافت تا سهم شهروندان و نهادهای دولتی، صنفی و اقشار گوناگون در تدوین و اجرای سیاست‌های عمومی بیشتر شود. در نظریه «حکمرانی شبکه‌ای» باور دارند که ما به شکل فزاینده‌ای در یک دنیای شبکه‌ای زندگی می‌کنیم که سلسله‌مراتب را به حاشیه برده است. (Davies,2021:2677). «حکمرانی شبکه‌ای» از جدیدترین مفاهیم پیرامون حکمرانی خوب برای پی بردن به سوالهای مرتبط با رابطه متحول دولت - جامعه در سطح گسترده و متأثر از شبکه‌ها است. شاید بتوان گفت که نظریه حکمرانی و مدیریت شبکه‌ای از پرنفوذترین نظریه‌ها در مدیریت و سیاستگذاری عمومی است. (Sharifzadeh,2023:3) دو نکته قابل ذکر در مورد حکمرانی شبکه‌ای آن است که اولاً این الگو و روند هیچ وقت به معنی کنار زدن دولت و نهادهای دولتی نیست و ثانیاً جدید بودن شبکه‌های تصمیم‌گیری و مدیریتی به معنی نادیده گرفتن پیشینه آن در دهه

¹ Transgovernance

² Network Governance

های قبل نیست بلکه به این معنی است که دولتمردان بیش از قبل به موثر بودن این الگو در تصمیم گیری هایشان پی برده اند (Sorensen&Torfing,2017:5-6). بنابراین پیش بینی می شود، تنها راهبرد واکنشی در شرایط بد و ناامنی فضاهای تحمیلی در برابر آسیب های حکمرانی شبکه ای، حکمرانی امنیتی خواهد بود.

بعد از دهه ۱۹۸۰ و ناتوانی مکتب های رئالیسم و ایده آلیسم در پیش بینی جنگ سرد، افرادی همچون باری بوزان تعریف جدیدی از امنیت ارائه دادند که به آن «مکتب کپنهاگ» با اندیشمندانی همچون باری بوزان، والی ویور و دو ویلد گفته می شود. تنها مکتبی که به مطالعات امنیتی پرداخته و امنیت را از حالت استراتژیکی دوران جنگ سرد بیرون آورده و زیر مجموعه روابط بین الملل قرار داده مکتب کپنهاگ است. (خانی، ۱۳۸۹: ۱۲۰) از نظر مکتب کپنهاگ امروزه مفهوم سنتی امنیت تغییر کرده و دیگر مانند گذشته در چارچوب مدل وستفالی و با ابعاد نظامی به آن نگاه نمی شود. در دوران جدید امنیت گسترده شده و ابعاد نظامی - سیاسی - اقتصادی - اجتماعی و زیست محیطی پیدا کرده است. (Buzan&Weaver,2009:18) در همین راستا بود که زیر نظریه های مربوط به حکمرانی خوب با عناوینی همچون «حکمرانی امنیتی» در برقراری امنیت فراگیر با مشارکت دادن جامعه، شهروندان، فعالان و نهادهای ندنی و صنفی برلای فایق آمدن بر چالش های امنیتی جامعه بنیاد مد نظر مکتب کپنهاگ مطرح شدند.

حکمرانی امنیتی نوین: پلیس در کانون حکمرانی خوب امنیت عمومی

حکمرانی امنیتی به عنوان زیرمجموعه ای از حکمرانی خوب، رویکردی است که در آن نهادهای امنیتی - به ویژه پلیس - با مشارکت ذینفعان مختلف، شفافیت، پاسخگویی و حاکمیت قانون، به تأمین امنیت عمومی میپردازند (بوزان و ویور، ۲۰۰۳). این پارادایم نوین، پلیس را از نقش سنتی «کنترلگر» به «تسهیلگر» امنیت جمعی تبدیل میکند.

حکمرانی خوب در حوزه امنیت بر چند اصل استوار است: مشارکت پذیری (درگیری فعال شهروندان)، شفافیت (دسترسی به اطلاعات)، پاسخگویی (نهادهای پاسخگو)، حاکمیت قانون (تساوی همه در برابر قانون) و اثربخشی (تأمین کارآمد امنیت) (UNDP, 1997). پلیس در این

¹ Copenhagen School

² Security Governance

مدل، نه تنها ضابط قضایی، بلکه «مدیر امنیت عمومی» است که با سازوکارهای مشورتی، ظرفیت اجتماعی را برای خود-امنیتی سازی و تقویت میکند (استیوپ، ۲۰۱۴).

پلیس معاصر در حکمرانی امنیتی خوب، سه نقش کلیدی دارد:

۱. نقش حاکمیتی: تأمین امنیت پایه از طریق اعمال قانون به صورت عادلانه و غیر تبعیض آمیز.

۲. نقش مشارکتی: ایجاد پلتفرمهای همکاری با نهادهای مدنی، خصوصی و محلی (مانند پلیس

جامعه محور).

۳. نقش توانمندساز: تقویت سرمایه اجتماعی و آموزشهای خودمراقبتی به شهروندان (فیلیس، ۲۰۰۲).

افزایش ضریب اعتماد عمومی: بر اساس پژوهش صبوری و همکاران (۱۴۰۰)، اعتماد به پلیس

زمانی افزایش مییابد که عملکرد آن مبتنی بر شفافیت و پاسخگویی باشد.

کاهش هزینه های امنیتی: حکمرانی مشارکتی امنیت، هزینه های نظارت رسمی را کاهش و

اثربخشی را افزایش میدهد (معاونت اجتماعی ناجا، ۱۴۰۲).

پیشگیری اجتماع محور: رویکرد «پلیس جامعه محور» در ایران نمونه عینی حکمرانی امنیتی خوب

است که طبق آمار، تا ۳۰٪ در کاهش جرائم محله محور مؤثر بوده است (پژوهشگاه ناجا، ۱۴۰۱).

با این حال، تحقق کامل این الگو با موانعی روبه روست: مقاومت در برابر تغییر در ساختارهای

سلسله مراتبی پلیس، کافی نبودن آموزشهای حکمرانی برای فرماندهان، و ضعف نهادهای مدنی در

مشارکت امنیتی (ذکایی و رضایی، ۱۳۹۹).

مدل مفهومی



روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، کیفی-میدانی است که با رویکرد پیمایشی انجام شده است. هدف اصلی تحقیق، ارزیابی آسیب‌شناسانه عملکرد پلیس در حوزه امنیت عمومی از منظر شاخص‌های حکمرانی خوب است. در این راستا، تلاش شده است تا با بهره‌گیری از دیدگاه‌های نخبگانی و تخصصی، میزان انطباق عملکرد پلیس با مؤلفه‌هایی نظیر پاسخگویی، شفافیت، کارآمدی، مشارکت‌پذیری، عدالت و حاکمیت قانون مورد بررسی قرار گیرد.

جامعه آماری پژوهش شامل دو گروه تخصصی است: نخست، پژوهشگران حوزه‌های علوم اجتماعی و سیاسی و دوم، مدیران و کارشناسان پلیس. نمونه آماری شامل ۴۰ نفر از این دو گروه است که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند؛ به گونه‌ای که هر گروه ۲۰ نفر را شامل می‌شود. انتخاب این روش نمونه‌گیری به دلیل ماهیت تخصصی موضوع پژوهش و ضرورت استفاده از دیدگاه افراد آگاه و مطلع صورت گرفته است. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق‌ساخته بوده که بر اساس مبانی نظری حکمرانی خوب و ادبیات امنیت عمومی طراحی شده است. این پرسشنامه شامل ۱۲ سؤال بسته برای سنجش ابعاد مختلف عملکرد پلیس در امنیت عمومی (نظیر کنترل جرایم، خشن، مدیریت اعتراضات، درگیری‌های قومی، انتخابات، پیشگیری امنیتی، اقدامات دانش‌بنیان، مشارکت اجتماعی، فرهنگ‌سازی و نهادسازی امنیت عمومی) و تعدادی سؤال باز برای استخراج دلایل، تبیین چالش‌ها و ارائه دیدگاه‌های تکمیلی پاسخ‌دهندگان است. سؤالات بسته با استفاده از مقیاس سه‌درجه‌ای (موفق، نسبتاً موفق و ناموفق) تنظیم شده‌اند. به منظور سنجش روایی ابزار پژوهش، پرسشنامه در اختیار تعدادی از صاحب‌نظران حوزه علوم سیاسی، جامعه‌شناسی امنیت و کارشناسان پلیس قرار گرفت و پس از اعمال اصلاحات پیشنهادی، روایی صوری و محتوایی آن تأیید شد. پایایی پرسشنامه نیز از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای سؤالات بسته ارزیابی شد که نتایج آن نشان‌دهنده انسجام درونی مناسب ابزار اندازه‌گیری است. داده‌های جمع‌آوری‌شده پس از کدگذاری، با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در بخش تحلیل داده‌ها، از آمار توصیفی شامل فراوانی، درصد و میانگین برای توصیف وضعیت متغیرها استفاده شد. همچنین برای مقایسه دیدگاه دو گروه پاسخ‌دهندگان (پژوهشگران و کارشناسان پلیس)، میانگین ارزیابی‌ها محاسبه و تحلیل شد. پاسخ‌های مربوط به سؤالات باز نیز با روش تحلیل مضمون بررسی و در قالب مقولات تحلیلی مرتبط با شاخص‌های حکمرانی خوب طبقه‌بندی شد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش حاضر در دو سطح توصیفی و تحلیلی بررسی شده است. در سطح توصیفی، ارزیابی پاسخ‌دهندگان از عملکرد پلیس در ابعاد مختلف امنیت عمومی گزارش شده و در سطح تحلیلی، این ارزیابی‌ها با شاخص‌های حکمرانی خوب تطبیق یافته است تا میزان انطباق یا فاصله عملکرد پلیس با معیارهای حکمرانی مطلوب مشخص گردد. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که ادراک مشارکت‌کنندگان نسبت به عملکرد پلیس در حوزه‌های مختلف امنیت عمومی متفاوت بوده و شدت موفقیت یا ناکامی این نهاد از یک حوزه به حوزه دیگر تغییر می‌کند. این یافته‌ها تصویری چندبعدی و واقع‌بینانه از نحوه عملکرد پلیس در دو دهه گذشته ارائه می‌دهد.

جدول ۱: ارزیابی عملکرد پلیس در امنیت عمومی

موضوع سؤال	موفق	نسبتاً موفق	ناموفق	عملکرد مثبت پلیس	عملکرد منفی پلیس
کنترل جرایم خشن	۲۰	۶۷,۵	۱۲,۵	حضور میدانی مؤثر، واکنش سریع، کنترل عملیاتی مناسب	چالش‌های مدیریتی، کمبود نیروی انسانی، ضعف در پیشگیری
مدیریت اعتراضات ۹۶-۹۸	۳۰	۴۵	۲۵	حفظ حداقلی نظم عمومی و جلوگیری از گسترش بحران	فاصله با استانداردهای حقوق بشری، ضعف گفت‌وگو
کنترل درگیری‌های قومی	۷۰	۱۷,۰	۰	مدیریت مبتنی بر تدبیر، استفاده از ظرفیت‌های محلی	عدم رفع ریشه‌های تعارض در بلندمدت
مدیریت بی‌نظمی‌های انتخاباتی	۳۷,۵	۳۰	۳۲,۵	تأمین امنیت فیزیکی فرآیند انتخابات	چالش در بی‌طرفی، شبهه سیاسی شدن عملکرد
شفافیت، قانون‌مندی و عدم تبعیض	۸۲,۵	—	۱۷,۵	پایبندی نسبی به قانون و نظم اداری	ضعف شفافیت، ادراک تبعیض در برخی موارد
مدیریت پیشگیرانه	۲,۵	۲۷,۵	۷۰	اقدامات محدود کنترلی	غلبه رویکرد سخت‌افزاری،

اعتراضات					
عملکرد در اعتراضات ۱۴۰۱	۱۵	۲۲,۵	۶۲,۵	کنترل مقطعی برخی ناآرامی‌ها	ناتوانی در درک شکاف‌های نسلی و جنسیتی
اعتمادبنیان بودن عملکرد پلیس	۳۲,۵	۶۲,۵	۵	وجود سطحی از اعتماد عمومی و اقتدار سازمانی	ضعف ارتباطات اجتماعی و پاسخگویی
اقدامات دانش‌بنیان	۲۲,۵	۴۰	۳۷,۵	ایجاد مراکز پژوهشی و علمی	ناکافی بودن بهره‌گیری از دانش برای حل مسائل جامعه
مشارکت اجتماعی و ارتباطات	۱۲,۵	۶۲,۵	۲۵	تعامل نسبی با برخی گروه‌های اجتماعی	ناپایداری ارتباطات، ضعف مشارکت واقعی
فرهنگ‌سازی و آموزش	۵۵	۳۰	۱۰	اطلاع‌رسانی، هشدارهای عمومی، فعالیت رسانه‌ای	پراکندگی و عدم تداوم برنامه‌های فرهنگی
نهادسازی امنیت عمومی	۱۲,۵	۷۷,۵	۱۰	ایجاد ساختارهای خدماتی و نهادی متنوع	ضعف ارتباط دوسویه و مشارکت پایدار مردمی

بررسی داده‌های جدول ارزیابی عملکرد پلیس در امنیت عمومی نشان می‌دهد که عملکرد پلیس در حوزه‌های مختلف امنیت عمومی یکسان نبوده و دارای نوسان معنا دار است. بالاترین سطح ارزیابی مثبت مربوط به مدیریت درگیری‌های قومی-طایفه‌ای و کنترل جرایم خشن است که بیانگر کارآمدی پلیس در حوزه‌های عملیاتی و میدانی است. در مقابل، پایین‌ترین سطح ارزیابی به مدیریت پیشگیرانه اعتراضات و مواجهه با بحران‌های اجتماعی اختصاص دارد که نشان‌دهنده وجود ضعف‌های ساختاری و ارتباطی در این حوزه‌هاست. این الگو حاکی از آن است که پلیس در مأموریت‌های سخت‌افزاری موفق‌تر از حوزه‌های نرم و اجتماعی عمل کرده است.

جدول ۲: جامع دلایل و توضیحات پاسخ‌دهندگان

درصد غالب	مهم‌ترین دلایل و مضامین استخراج شده از پاسخ‌ها
۷۵	اقدامات فیزیکی و حضور سریع پلیس مؤثر بوده است
۳۷,۵	نظم‌بخشی نسبی؛ ضعف در رعایت حقوق شهروندی
۷۰	تدبیر، ریش‌سفیدان، کنترل نامحسوس

—	امنیت انتخابات مثبت؛ بی‌طرفی چالشی
—	ضعف در شفافیت، تبعیض، و پاسخگویی
۷۰	سیاسی شدن امور؛ نبود مدیریت نرم و گفت‌وگو
۵۰+	ضعف در شناخت شکاف‌های نسلی-جنسیتی
—	ضعف در ارتباطات عمومی؛ سلطه نگاه امنیتی
۶۲,۵	کمبود پیوند دانشگاه-پلیس؛ پژوهش‌های ناکافی
—	رشد ارتباطات سایبری اما ناپایداری ارتباطات اجتماعی
—	نقش مؤثر هشدارهای رسانه‌ای پلیس
—	ساختارهای نهادسازی مناسب اما ناکافی

مطابق داده‌های جدول جامع دلایل و توضیحات پاسخ‌دهندگان، مهم‌ترین دلایل موفقیت پلیس در حوزه‌هایی مانند جرایم خشن و درگیری‌های قومی، اقدامات عملیاتی مؤثر، حضور سریع، استفاده از ظرفیت‌های محلی و مدیریت میدانی عنوان شده است. در مقابل، مهم‌ترین دلایل ضعف عملکرد پلیس در حوزه اعتراضات و پیشگیری اجتماعی شامل غلبه رویکرد امنیتی، ضعف در گفت‌وگو، فاصله با استانداردهای حقوق شهروندی و ناکافی بودن رویکردهای مشارکتی است. این داده‌ها نشان می‌دهد که ارزیابی‌های کمی پاسخ‌دهندگان به‌طور مستقیم با برداشت‌های کیفی آنان همخوانی دارد و ضعف‌های عملکردی پلیس بیشتر ماهیتی نرم‌افزاری و حکمرانی‌محور دارد.

جدول ۳. مقایسه میانگین ارزیابی دو گروه درباره عملکرد پلیس

موضوع ارزیابی	میانگین پژوهشگران (گروه ۱)	میانگین کارشناسان پلیس (گروه ۲)	ارزیابی مثبت (برداشت غالب)	ارزیابی منفی (چالش‌های اصلی)
جرایم خشن	۱,۶۰	۲,۲۵	پژوهشگران عملکرد پلیس را نسبتاً مطلوب و قابل قبول می‌دانند	کارشناسان پلیس به محدودیت‌های عملیاتی و مدیریتی اشاره دارند
اعتراضات ۹۶-۹۸	۱,۴۰	۲,۵۰	پژوهشگران کنترل نسبی نظم عمومی را	پلیس عملکرد خود را ضعیف و پرچالش

می داند	مثبت ارزیابی کرده‌اند			
نگرانی از باقی ماندن ریشه‌های تعارض در بلندمدت	هر دو گروه عملکرد پلیس را موفق ارزیابی کرده‌اند	۱,۲۵	۰,۶۵	درگیری‌های قومی
کارشناسان پلیس از فشارهای سیاسی و چالش بی‌طرفی سخن می‌گویند	پژوهشگران امنیت انتخابات را مطلوب می‌دانند	۲,۶۵	۱,۲۵	انتخابات
پلیس ضعف شفافیت و ادراک تبعیض را برجسته می‌بیند	پژوهشگران پابندی نسبی پلیس به قانون را تأیید می‌کنند	۱,۷۰	۱,۰۰	قانون‌مندی، شفافیت، عدم تبعیض
هر دو گروه، به‌ویژه پلیس، این حوزه را بسیار ضعیف می‌دانند	هیچ‌یک از دو گروه ارزیابی مثبتی ارائه نکرده‌اند	۳,۰۰	۲,۳۰	پیشگیری از امنیتی شدن اعتراضات
پلیس عملکرد خود را به‌شدت ناموفق تلقی می‌کند	پژوهشگران عملکرد را متوسط رو به ضعیف ارزیابی کرده‌اند	۳,۰۰	۱,۹۵	اعتراضات ۱۴۰۱
پلیس ضعف ارتباطات و کاهش اعتماد را برجسته می‌بیند	پژوهشگران سطحی از اعتماد عمومی را تأیید می‌کنند	۲,۰۰	۱,۱۵	اعتماد عمومی و اقتدار
پلیس ناکارآمدی کاربردی پژوهش‌ها را مطرح می‌کند	پژوهشگران وجود ظرفیت‌های علمی را می‌پذیرند	۲,۷۵	۱,۵۵	اقدامات دانش‌بنیان
پلیس از ضعف مشارکت واقعی و ناپایداری ارتباطات سخن می‌گوید	پژوهشگران مشارکت اجتماعی را در حد متوسط می‌دانند	۲,۳۵	۱,۴۵	مشارکت اجتماعی
پلیس پراکندگی و	پژوهشگران عملکرد	۲,۰۰	۰,۹۰	فرهنگ‌سازی

اثرگذاری محدود را مشکل اصلی می‌داند	فرهنگی پلیس را موفق ارزیابی کرده‌اند			
ضعف ارتباط پایدار با جامعه و مشارکت مردمی مطرح است	هر دو گروه نهادسازی را در حد متوسط مثبت می‌دانند	۲,۲۰	۱,۷۵	نهادسازی امنیت عمومی

نتایج جدول مقایسه میانگین ارزیابی دو گروه نشان می‌دهد که در تمامی شاخص‌ها، میانگین ارزیابی پژوهشگران بهتر از میانگین ارزیابی مدیران و کارشناسان پلیس است. این تفاوت بیانگر آن است که کارشناسان پلیس نسبت به عملکرد سازمان خود نگاه انتقادی‌تری دارند و چالش‌های موجود را عمیق‌تر درک می‌کنند. بیشترین اختلاف میان دو گروه در حوزه‌های مدیریت اعتراضات، پیشگیری اجتماعی و دانش‌بنیان‌کردن امنیت مشاهده می‌شود. این یافته نشان‌دهنده وجود نوعی خودآگاهی سازمانی در میان کارکنان پلیس و تأیید شکاف میان وضعیت موجود و الزامات حکمرانی خوب در امنیت عمومی است.

جدول پیشنهادات ارتقای عملکرد پلیس در امنیت عمومی در چارچوب حکمرانی خوب

حوزه چالشی	مهم‌ترین مسئله شناسایی شده	پیشنهاد اجرایی	شاخص حکمرانی خوب مرتبط	پیامد مورد انتظار
مدیریت اعتراضات اجتماعی	غلبه رویکرد سخت‌افزاری و ضعف گفت‌وگو	ایجاد واحدهای تخصصی میانجی‌گری اجتماعی و تیم‌های واکنش نرم	مشارکت، پاسخگویی	کاهش تنش‌های اجتماعی و افزایش مشروعیت پلیس
ارتباط پلیس - شهروندان	ضعف مهارت‌های ارتباطی نیروها	آموزش نظام‌مند مهارت ارتباط مؤثر، مذاکره و مدیریت تعارض	پاسخگویی، شفافیت	بهبود تعامل و کاهش تعارضات میدانی
اعتماد عمومی	کاهش اعتماد شهروندان به پلیس	توسعه پلیس جامعه‌محور و ارتباطات دوستانه محلی	اعتماد، مشارکت	افزایش سرمایه اجتماعی پلیس
ساختار حکمرانی	محدودیت اختیار	بازتعریف وظایف	حاکمیت قانون	افزایش کارآمدی و

امنیت	عمل و وجود نیروهای موازی	نهادی و شفاف‌سازی حدود اختیارات پلیس	انسجام عملکرد
بُعد معیشتی نیروها	نامناسب بودن وضعیت معیشتی کارکنان پلیس	بهبود نظام حقوق، مزایا و حمایت‌های رفاهی	عدالت سازمانی افزایش انگیزه و کیفیت عملکرد
سیاست‌زدگی امنیت	تأثیرپذیری از جریان‌های سیاسی	تقویت بی‌طرفی نهادی و استقلال حرفه‌ای پلیس	عدالت، بی‌طرفی افزایش اعتماد و کاهش تنش سیاسی
دانش‌بنیان‌سازی امنیت	ضعف پیوند پژوهش و عمل	تقویت همکاری پلیس با دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی	کارآمدی، نوآوری تصمیم‌گیری مبتنی بر داده و علم
پیشگیری اجتماعی	فقدان رویکرد پیشگیرانه مؤثر	تمرکز بر تحلیل علل نارضایتی‌های اجتماعی پیش از بحران	اثربخشی، آینده‌نگری کاهش بروز بحران‌های امنیتی
مشارکت مردمی	استفاده محدود از ظرفیت شهروندان	به‌کارگیری نیروهای مردمی در چارچوب‌های قانونی و هدفمند	مشارکت امنیت پایدار و هم‌افزا
نهادسازی امنیتی عمومی	ناپایداری ارتباط نهادی با جامعه	تقویت و به‌روزرسانی ساختارهای پلیس محله و خدمات اجتماعی	پاسخگویی، مشارکت ارتقای امنیت مردم‌محور

این جدول نشان می‌دهد که پیشنهاد‌های ارائه‌شده، صرفاً ماهیت اجرایی ندارند، بلکه در راستای اصلاح حکمرانی امنیت عمومی و تقویت پیوند میان پلیس، جامعه و ساخت قدرت طراحی شده‌اند و می‌توانند زمینه‌ساز گذار از امنیت سخت به امنیت مشارکتی و پایدار باشند.

تحلیل یافته‌ها

بر اساس جدول ارزیابی عملکرد پلیس در امنیت عمومی، مشخص شد که ادراک

پاسخ‌دهندگان نسبت به حوزه‌های مختلف عملکرد پلیس یکسان نبوده و شدت موفقیت، ناکامی یا عملکرد متوسط پلیس از یک شاخص به شاخص دیگر تفاوت معناداری دارد. بیشترین سطح رضایت مربوط به عملکرد پلیس در مدیریت درگیری‌های قومی-طایفه‌ای است؛ به‌گونه‌ای که ۷۰ درصد پاسخ‌دهندگان این حوزه را «موفق» ارزیابی کرده و هیچ‌یک گزینه «ناموفق» را انتخاب نکرده‌اند. این یافته نشان می‌دهد که رویکردهای میانجی‌گرانه، استفاده از ظرفیت‌های محلی، تعامل با ریش‌سفیدان و بزرگان قبایل، کنترل نامحسوس و ارتباطات افقی پلیس در مدیریت این نوع تنش‌ها اثربخشی قابل توجهی داشته و با شاخص‌های حکمرانی خوب، به‌ویژه مشارکت و اثربخشی، همخوانی بیشتری دارد.

در مقابل، پایین‌ترین سطح رضایت به مدیریت پیشگیرانه اعتراضات صنفی، سیاسی و اجتماعی اختصاص دارد؛ جایی که ۷۰ درصد پاسخ‌دهندگان عملکرد پلیس را «ناموفق» ارزیابی کرده‌اند. این تفاوت چشمگیر میان حوزه‌های عملیاتی (مانند کنترل جرایم خشن و درگیری‌های قومی) و حوزه‌های اجتماعی-سیاسی (مانند مدیریت اعتراضات و پیشگیری امنیتی) نشان‌دهنده شکاف میان الگوی عملیاتی پلیس و الزامات حکمرانی خوب در حوزه‌هایی است که نیازمند رویکرد نرم، گفت‌وگو محور، اعتمادآفرین و مشارکت‌پذیر هستند.

همچنین در حوزه‌هایی مانند مدیریت اعتراضات ۹۶-۹۸ و اعتراضات ۱۴۰۱، بخش قابل توجهی از پاسخ‌دهندگان عملکرد پلیس را ناموفق یا در بهترین حالت «نسبتاً موفق» ارزیابی کرده‌اند. این امر بیانگر حساسیت اجتماعی این رویدادها و فاصله میان عملکرد نیروهای انتظامی و انتظارات جامعه نخبگانی است. در حوزه فرهنگ‌سازی، هرچند عملکرد پلیس نسبتاً مثبت ارزیابی شده، اما پاسخ‌دهندگان بر پراکندگی و ناپیوستگی اقدامات تأکید داشته‌اند. در حوزه نهادسازی امنیت عمومی نیز اکثریت پاسخ‌دهندگان عملکرد پلیس را متوسط دانسته‌اند که نشان‌دهنده وجود ساختارهای لازم، اما ناکافی و نیازمند تقویت است.

تحلیل جدول جامع دلایل و توضیحات پاسخ‌دهندگان نشان می‌دهد که برداشت‌های کیفی کاملاً با داده‌های کمی همسو است. اصلی‌ترین دلیل موفقیت پلیس در حوزه جرایم خشن، «اقدامات عملیاتی، گشت‌زنی مؤثر و حضور سریع» عنوان شده است؛ به این معنا که بعد سخت‌افزاری و انتظامی پلیس همچنان قوی‌ترین رکن عملکرد حرفه‌ای آن محسوب می‌شود. در مقابل، مهم‌ترین دلیل ضعف عملکرد پلیس در حوزه اعتراضات، «فاصله با استانداردهای حقوق شهروندی، استفاده

محدود از گفت‌وگو و غلبه رویکرد امنیتی» بوده است. این تفاوت در مضامین کیفی نشان می‌دهد که چالش اصلی پلیس نه در توان عملیاتی، بلکه در حوزه‌های نرم، اجتماعی و ارتباطی است. در زمینه دانش‌بنیان‌کردن امنیت عمومی نیز بخش قابل توجهی از پاسخ‌دهندگان تأکید کرده‌اند که فعالیت‌های پژوهشی پلیس وجود دارد، اما هنوز به مرحله کاربست مؤثر اجتماعی نرسیده است. این یافته با نتایج کمی که میانگین ارزیابی‌ها را به سمت «نسبتاً موفق» و «ناموفق» سوق داده، همخوانی دارد و نشان می‌دهد که شکاف میان تولید دانش و بهره‌برداری عملی از آن همچنان پابرجاست.

نتایج جدول مقایسه میانگین ارزیابی دو گروه (پژوهشگران و مدیران/کارشناسان پلیس) نیز حاوی یافته‌ای قابل تأمل است؛ به طوری که در تمامی ۱۲ شاخص، میانگین ارزیابی پژوهشگران بهتر از میانگین ارزیابی کارشناسان پلیس بوده است. این امر بیانگر وجود سطح بالای خودانتقادی درون‌سازمانی در میان نیروهای پلیس و آگاهی آنان از محدودیت‌های ساختاری، فشارهای نهادی و پیچیدگی مأموریت‌های امنیتی است. برای نمونه، در مدیریت اعتراضات ۹۶-۹۸ و اعتراضات ۱۴۰۱، کارشناسان پلیس نمرات به مراتب ضعیف‌تری نسبت به پژوهشگران ارائه کرده‌اند که نشان می‌دهد چالش‌های این حوزه‌ها از درون سازمان عمیق‌تر درک می‌شود.

در مجموع، ترکیب سه جدول اصلی شامل ارزیابی کمی عملکرد، تحلیل کیفی دلایل و مقایسه میان‌گروهی، تصویری جامع از وضعیت عملکرد پلیس در امنیت عمومی ارائه می‌دهد. این تصویر نشان می‌دهد که قوی‌ترین بخش عملکرد پلیس در حوزه‌های عملیاتی و انتظامی و ضعیف‌ترین بخش آن در حوزه‌های نرم، اجتماعی و حکمرانی محور متمرکز است. بر این اساس، به نظر می‌رسد ارتقای عملکرد پلیس در چارچوب حکمرانی خوب مستلزم تقویت رویکردهای پیشگیرانه، گفت‌وگو محور، مشارکت اجتماعی، شفافیت و پاسخگویی و نیز پیوند مؤثرتر میان دانش، سیاست‌گذاری و عمل پلیسی باشد. چنین تغییری می‌تواند زمینه‌گذار از الگوی امنیت سخت به امنیت مشارکتی، مردم‌محور و پایدار را فراهم سازد.

نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که عملکرد پلیس در حوزه امنیت عمومی از منظر شاخص‌های حکمرانی خوب، تصویری چندبعدی، ترکیبی و نامتوازن دارد؛ به این معنا که پلیس در برخی حوزه‌ها از توفیق قابل توجهی برخوردار بوده و در برخی دیگر با چالش‌های ساختاری و کارکردی جدی مواجه

است. تحلیل داده‌های حاصل از نظرسنجی و هم‌پوشانی آن با درصدهای جداول نشان می‌دهد که بیشترین سطح موفقیت پلیس به حوزه‌هایی اختصاص دارد که ماهیت عملیاتی، میدانی و انتظامی داشته‌اند. به‌طور مشخص، برخورد با مجرمان جرایم خشن، تأمین امنیت مطلوب در برگزاری انتخابات و مدیریت مناقشات قومی و محلی از جمله حوزه‌هایی هستند که اکثریت پاسخ‌دهندگان، اعم از دانشگاهیان و کارشناسان پلیس، عملکرد پلیس را در آن‌ها «موفق» یا «نسبتاً موفق» ارزیابی کرده‌اند. این یافته‌ها با درصدهای بالای موفقیت در جداول مربوطه هم‌خوانی کامل دارد و نشان می‌دهد پلیس در شرایطی که نیازمند کنترل میدانی، اعمال اقتدار قانونی و استفاده از ظرفیت‌های محلی (نظیر تعامل با ریش‌سفیدان و بزرگان قبایل) است، توانسته الگویی نسبتاً پایدار و اثربخش ایجاد کند.

در مقابل، نتایج پژوهش حاکی از آن است که برخورد پلیس با اعتراضات اجتماعی، به‌ویژه در رویکردهای پیشگیرانه و گفت‌وگومحور، از منظر دانشگاهیان توفیق لازم را نداشته است. از دید این گروه، ضعف پلیس در اقناع‌سازی، مذاکره، بررسی ریشه‌های نارضایتی‌های اجتماعی و فقدان اقدامات پیشگیرانه مؤثر، موجب شده است که عملکرد پلیس در این حوزه‌ها با شاخص‌های حکمرانی خوب، به‌ویژه مشارکت، پاسخگویی و شفافیت، فاصله معناداری داشته باشد. این ارزیابی منفی، به‌ویژه در موضوع اعتراضات اجتماعی و رویدادهای سال ۱۴۰۱، با درصدهای بالای گزینه «ناموفق» در جداول یافته‌ها هم‌راستا است.

در عین حال، تحلیل دیدگاه‌های گروه کارشناسان و فرماندهان پلیس نشان می‌دهد که آنان برخورد سخت پلیس با تجمعات و اعتراضات خیابانی را نه از سر انتخاب، بلکه ناشی از الزامات اجتناب‌ناپذیر اجرای دستورات امنیتی می‌دانند. از منظر این گروه، تجمعات خیابانی غیرقانونی به دلیل ایجاد اختلال در نظم و امنیت عمومی، مستلزم برخورد قاطع است و در عین حال، نبود سازوکارهای تقنینی و اجرایی شفاف برای صدور مجوز تجمعات قانونی، پلیس را در موقعیتی قرار داده است که عملاً گزینه‌ای جز اجرای دستورات ابلاغی و برخورد سخت باقی نمی‌ماند. این اختلاف نگاه میان دانشگاهیان و پلیس، یکی از یافته‌های قابل تأمل پژوهش است که نشان‌دهنده شکاف میان منطق حکمرانی اجتماعی و منطق حکمرانی امنیتی در عمل است.

از حیث نوآوری، این پژوهش از سایر مطالعات مشابه متمایز است؛ زیرا برای نخستین بار محورهای امنیت عمومی را با شاخص‌های حکمرانی خوب ترکیب کرده و با نگاهی آسیب‌شناسانه به گذشته، چالش‌های حال و راهبردهای آینده پلیس را در قالب یک مدل مفهومی منسجم تحلیل

کرده است. تمرکز پژوهش صرفاً بر ارزیابی عملکرد نبوده، بلکه تلاش شده است با تکیه بر مدل پیشنهادی، زمینه‌های بهبود و اصلاح راهبردی عملکرد پلیس در آینده نیز تبیین شود.

یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که ریشه نارضایتی دو گروه پاسخ‌دهنده ماهیت متفاوتی دارد. از دید دانشگاهیان، ضعف‌های ساختاری، ناکارآمدی نظام آموزشی، فقدان مهارت‌های ارتباطی و غلبه رویکرد سخت‌افزاری، مهم‌ترین عوامل تضعیف عملکرد پلیس در امنیت عمومی است. در مقابل، از نگاه نیروهای پلیس، مشکلات معیشتی کارکنان، عدم به‌روزرسانی قوانین و سازوکارهای تقنینی، وجود نیروهای موازی و فشارهای بیرونی سیاسی نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش کیفیت اجرای مأموریت‌های پلیسی داشته است. این عوامل، به باور کارشناسان پلیس، موجب تنش‌آفرینی، کاهش اختیار عمل و افزایش چالش‌های میدانی شده است.

با وجود دستاوردهای علمی، تغییرات ساختاری و تعدد مراکز پژوهشی در درون مجموعه انتظامی، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که پیوند مؤثری میان این ظرفیت‌های پژوهشی و کاربست‌های اجتماعی امنیت عمومی برقرار نشده است. تأثیرگذاری عوامل بیرونی بر مأموریت‌های پلیسی موجب شده است که پلیس نتواند از سرمایه اجتماعی، مشارکت نهادمند و کنشگری فعال در حوزه امنیت عمومی بهره‌برداری مؤثری داشته باشد. این وضعیت، به‌ویژه در رویدادهای حساس اجتماعی و برخورد‌های سیاسی، به تضعیف رابطه دوسویه میان پلیس، نخبگان و جامعه منجر شده و در نهایت باعث کاهش محسوس محبوبیت پلیس در میان شهروندان شده است.

در مجموع، انباشت این عوامل موجب نوعی فرسایش عملکردی در پلیس شده است؛ به‌گونه‌ای که تکرار چرخه آزمون و خطا، بدون اصلاح ریشه‌ای راهبردها، نه‌تنها به بهبود پایدار عملکرد منجر نشده، بلکه بر روحیه خدمتی نیروهای پلیس نیز تأثیر منفی گذاشته است. این یافته‌ها تأکید می‌کند که ارتقای امنیت عمومی در چارچوب حکمرانی خوب، مستلزم اصلاح هم‌زمان ساختارها، راهبردها، قوانین، آموزش‌ها و روابط اجتماعی پلیس با جامعه است.

پیشنهادات

بر اساس یافته‌های پژوهش و تحلیل عملکرد پلیس در حوزه امنیت عمومی از منظر شاخص‌های حکمرانی خوب، مجموعه‌ای از پیشنهادهای اجرایی، راهبردی و ساختاری قابل ارائه است. نخستین و مهم‌ترین پیشنهاد پژوهش، گذار از رویکرد «امنیت سخت‌افزاری» به رویکرد «امنیت

مشارکتی، پیشگیرانه و مردم‌محور» است؛ زیرا بررسی داده‌ها نشان داد که ضعف اصلی پلیس نه در حوزه عملیات میدانی بلکه در حوزه‌های نرم، ارتباطی و اجتماعی است. برای تحقق این هدف، لازم است پلیس فرآیند تصمیم‌گیری و مدیریت بحران را از حالت واکنشی به حالت پیش‌بینی‌کننده، آینده‌نگر و مبتنی بر تحلیل‌های اجتماعی تغییر دهد.

از آنجا که مدیریت اعتراضات صنفی، اجتماعی و سیاسی یکی از چالش‌های اصلی بوده و بالاترین میزان نارضایتی در این حوزه مشاهده شده است، پیشنهاد می‌شود پلیس سازوکارهای تخصصی «میانجی‌گری اجتماعی»، «مذاکره با معترضان»، «ایجاد کانال‌های گفت‌وگوی امن» و «تشکیل تیم‌های تخصصی واکنش نرم» را تقویت کند. ایجاد واحدهای جدیدی در پلیس که رویکرد آنها نه امنیتی، بلکه اجتماعی-میانجی‌گرانه باشد، می‌تواند نقش مهمی در کاهش تنش‌های خیابانی و جلوگیری از امنیتی شدن مطالبات صنفی و اجتماعی ایفا کند. آموزش‌های مهارت ارتباطی، مدیریت تعارض، اخلاق حرفه‌ای و حقوق شهروندی نیز باید به‌طور نظام‌مند در تمام سطوح نیروهای پلیس نهادینه شود.

در حوزه حکمرانی و ساخت قدرت، یکی از پیشنهادهای کلیدی پژوهش، افزایش شفافیت و پاسخگویی پلیس است. شفاف‌سازی فرایندهای تصمیم‌گیری، انتشار گزارش‌های دوره‌ای عملکرد، استفاده از سامانه‌های نظارت درون‌سازمانی و برون‌سازمانی، و ایجاد نظام پاسخگویی چندسطحی می‌تواند به ارتقای مشروعیت و اعتماد عمومی نسبت به پلیس کمک کند. همچنین پیشنهاد می‌شود سازوکارهای نظارت مردمی، نظارت رسانه‌ای و نظارت نهادهای مدنی بر عملکرد پلیس تقویت شود تا شاخص‌های حکمرانی خوب مانند مسئولیت‌پذیری، عدالت و بی‌طرفی در عملکرد سازمانی پلیس تقویت گردد.

در حوزه علمی و پژوهشی، یافته‌ها نشان می‌دهد که پلیس هنوز فاصله معناداری با استانداردهای امنیت دانش‌بنیان دارد. بنابراین پیشنهاد می‌شود تعامل پلیس با دانشگاه‌ها، اندیشکده‌ها و پژوهشگران تقویت شود و فرایند تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری امنیتی بیش از گذشته بر مبنای داده، پژوهش و تحلیل‌های علمی باشد. ایجاد مراکز پژوهشی مشترک، حمایت از پایان‌نامه‌ها و مطالعات مرتبط با امنیت عمومی، و استفاده از فناوری‌های نوین در پیشگیری از جرم می‌تواند نقش مهمی در ارتقای کیفیت حکمرانی امنیتی داشته باشد.

در حوزه مشارکت اجتماعی، لازم است پلیس بسترهای جدیدی برای گفت‌وگو و همکاری با

اقوام، اصناف، اتحادیه‌ها، گروه‌های محلی و جوانان ایجاد کند. پلیس جامعه‌محور باید از یک شعار به یک برنامه عملیاتی تبدیل شود و در قالب همکاری واقعی با گروه‌های اجتماعی اجرا گردد. توسعه پلیس محله، پلیس افتخاری و برنامه‌های نظارت همگانی تنها زمانی اثربخش خواهد بود که با اعتمادسازی، شفافیت و ارتباطات دوسویه همراه باشد.

در حوزه نهادسازی امنیت عمومی نیز پیشنهاد می‌شود ساختارهای خدماتی مانند پلیس +۱۰، واحدهای مشاوره‌ای، دوایر پیشگیری، واحدهای فرهنگی و اجتماعی و سامانه‌های اطلاع‌رسانی پلیس تقویت و به‌روزرسانی شوند. افزایش نوسازی در تجهیزات، آموزش نیروی انسانی و بهبود شرایط معیشتی کارکنان نیز می‌تواند به بهبود عملکرد پلیس منجر شود.

منابع

- باری بوزان، مردم (۱۳۷۸) دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پژوهشگاه ناجا (۱۴۰۱). ارزیابی تأثیر پلیس جامعه محور بر کاهش جرائم.
- چنار هادی، سیده رقیه؛ آجیلی، هادی (۱۴۰۰). کاربست نظریه ی امنیتی سازی باری بوزان در تحلیل بنیاد گرایی اسلامی، دانشنامه علوم سیاسی، ۲(۴)، ۲۷-۴۶.
- حشمت زاده، محمداقبر؛ حاجی یوسفی، امیرمحمد؛ طالبی، محمد علی (۱۳۹۶). بررسی موانع تحقق حکمرانی خوب در فرهنگ سیاسی ایران، جستارهای سیاسی معاصر، ۸(۱)، ۱-۲۴.
- خانی، عبدالله (۱۳۸۹). نظریه امنیت، تهران: انتشارات مطالعات ابرار معاصر تهران.
- داد اندیش، پروین؛ کوزه گر کالجی، ولی (۱۳۸۹). بررسی انتقادی مجموعه امنیتی منطقه ای با استفاده از محیط امنیتی منطقه قفقاز جنوبی، راهبرد، ۱۸(۵۶)، ۷۳-۱۰۷.
- رحمتی فر، سمانه (۱۳۹۶). نقش جامعه مدنی در ایجاد قاعده حقوقی در دوران جهانی شدن با تاکید بر سازمان غیر دولتی: گذار حقوق از الزام اقطاع، پژوهش حقوق عمومی، ۱۸(۵۴)، ۲۸۸-۲۶۵.
- رحمتی فر، سمانه (۱۴۰۱). امکان سنجی حکمرانی خوب به عنوان راهبرد پلیس، مطالعات حقوق عمومی، ۵۲(۲)، ۷۷۱-۷۸۷.
- سردارنیا، خلیل‌اله؛ شاکری، حمید (۱۳۹۳). اینترنت و ظرفیت های آن برای حکمرانی خوب شهری: بررسی نظری و مصداقی، راهبرد توسعه، ۴۰
- سید امامی، کاووس (۱۳۹۰). پژوهش در علوم سیاسی (رویکرد های اثبات گرا، تفسیری و انتقادی) تهران، پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی دانشگاه امام صادق.
- صانعی، سید حسن (۱۳۸۸). فنون پژوهش: پرسشنامه ها، تهران، انتشارات اندیشمندان، چاپ اول
- عالمی، شهاب الدین (۱۳۹۸). تاملی در باب روش تحقیق میدانی در پژوهش کیفی، دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، ۲(۱۱)، ۱۰۶-۱۱۴.
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۸). آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه شناسی، تهران: نشر نی
- علیزاده اقدم، محمد باقر؛ گلابی، فاطمه؛ مفاخری، اقبال (۱۳۹۵). بررسی اعتماد شهروندان به پلیس با تاکید بر دیدگاه عدالت رویه ای و عملکرد پلیس، پژوهش های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، ۵(۱۴)، ۱-۲۰.
- معاونت اجتماعی ناجا (۱۴۰۲). گزارش عملکرد مشارکت های مردمی در امنیت عمومی.

- موحدی بهروز، روح الله؛ راشدی، حسین؛ الماسی، جواد؛ بروشک، ندا؛ هاشمی مشعوف، مهدی (۱۳۹۴). تاثیر امنیت اجتماعی در افزایش و کاهش عملکرد سرمایه اجتماعی، مشارکت و امنیت پایدار پلیس، دانش انتظامی همدان، ۲(۳)، ۲۱-۴۴.
- میدری، احمد (۱۳۸۳) حکمرانی خوب بنیان توسعه، تهران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی و ثوقی، سعید؛ مرادی فر، سعیده؛ صفری، عسکر (۱۳۹۳). تحلیل موضوع های امنیتی قفقاز جنوبی بر اساس نظریه امنیتی کپنهاگ، مطالعات اوراسیای مرکزی، ۷(۱)، ۱۷۵-۱۹۴.
- Buzan, B., & Weaver, O. (2003). *Regions and Powers: The Structure of International Security*.
- Buzan, Barry. And Wave, Ole, (2009) *regions and powers the structure of International security*, Cambridge: Cambirdeg University Press
- Clark, Mark (2005) *The importance of new philosophy to the post modern policing environment*, *Interntrational Journal of Police Strategies & Management*.
- Hsiu-Fang Hsieh & Sara E. Shanon (2001) "Three Approaches to Conect Analysis
- Jonds, Matthew (2009), *Goverance , integrity, and the police organization , Policing: an International Journal of Police Strategies & Management*
- Kaufmann, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2009) *Govermence matters VIII: Aggregate and individual goverance indicators 1996- 2008 . World Bank Policy Research Working Paper , 4978*
- NDP. (1997). *Govermance for Sustainable Human Development*.
- OECD. (2015). *States of Fragility 2015: Meeting Post-2015 Ambitions*. Paris: OECD Publishing
- Kaufmann, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2010). *The Worldwide Govermance Indicators: Methodology and Analytical Issues*. World Bank Policy Research Working Paper No. 5430.
- P.Mayring. (1998) *Qualitative content analysis Forum: Qualitive Social Research*
- Phillips, A. (2002). *The Police and Security Govermance*
- Stępką, M. (2014). *The Concept of Security Govermance*.
- Wang, Huanming & Ran, Bing. (2022) *Network Govermance and Collaborative Govermance*, *Public Management Review*, Routlegeg Open Access